

نگاهی به نقش و جایگاه مؤلفه‌های «کتاب‌محور» در ارزیابی‌های حدیثی قدما در پرتو تحلیل منابع فهرستی

حمید باقری^۱

چکیده

بنا بر نظر مشهور، عالمان امامی به دو گروه عمده متقدمان و متأخران قابل تقسیم‌اند. تفاوت‌های متعددی میان این دو در حوزه‌های مختلف علمی، از جمله مسائل و مبانی حدیثی وجود دارد. اطلاعات ما در باره مبانی حدیث پژوهی گروه نخست، اندک و در پاره‌ای موارد محدود به گزارش‌های کلی عالمانی از نسل متأخران است که ضمن توجه به اختلافات بنیادی در مبانی حدیثی این دو گروه، در تبیین مبانی گروه اول کوشیده‌اند؛ از جمله، آنها بر تکیه قدما بر «نظام قراین» به عنوان نقطه کانونی در ارزیابی‌های حدیثی تأکید فراوان شده است. مطالعه تحلیلی و نقد تاریخی گزارش‌های باقی مانده از متقدمان امامی نشان از نقش محوری مباحث «نقد منبع مکتوب» در میان قراین متعدد قدما دارد. این بررسی‌ها مبین این مسأله‌اند که اوصاف و ویژگی‌های آثار اولیه حدیثی - که با عناوینی چون «کتاب»، «اصل»، «جزء» و «نسخه» معرفی شده‌اند - فارغ از ویژگی‌های مؤلفانشان جایگاهی خاص در نظام حدیث پژوهی متقدمان امامی داشته‌اند. گزارش‌های موجود حکایت از آن دارند که این عالمان، گاه به دلایل و شواهد مختلف، نوشته‌ای حدیثی را معتبر و قابل اعتماد تلقی می‌کردند و حکم به درستی احادیث موجود در آنها می‌دادند. این نوشتار می‌کوشد تا ضمن اشاره به توجه قدما به نشانه‌های اعتبار منبع، تأکید آنها بر مؤلفه‌های «کتاب‌محور»، همچون شهرت کتاب، مقبولیت آن نزد محدثان و توجه ویژه به اصول حدیثی معتمد را با ذکر شواهد متعدد تبیین نماید.

کلید واژه‌ها: منابع حدیثی، نقد حدیث، اعتبار منبع، محدثان متقدم امامی، تحلیل فهرستی

درآمد

از سده‌های پیش در میان دانشوران حدیث و فقه شیعه چنین شهرت یافته است که دانشمندان حدیث، فقه و اصول را به دو دسته «متقدمان» (قدما) و «متأخران» تقسیم می‌کنند. مرزی دقیق میان این دو گروه تعریف نشده است، اما عالمان حدیث معمولاً شیخ طوسی - که از او به «لسان القدمات» یاد می‌شود^۲ - و عالمان پیش از وی را از متقدمان می‌دانند.^۳ در برخی متون فقهی پس از سده هفتم هجری، محقق حلّی (م ۶۷۶ق) و چه بسا علامه حلّی (م ۷۲۶ق) حد فاصل میان متقدمان و متأخران به شمار آمده‌اند؛ به این معنا که پیش از این دورا متقدمان و پس از ایشان را متأخران قلمداد کرده‌اند.^۴ اگر در باره مرز دقیق میان متقدمان و متأخران اندکی گفت و گو باشد، در این نکته گفت و گویی نیست که شیوه‌ها و معیارهای این دو دسته از دانشوران در گستره ارزیابی و اعتماد به احادیث یکسان نبوده است.

آگاهی‌های ما در باره سنت حدیث پژوهی محدثان متقدم به ویژه در حوزه اعتبارسنجی احادیث اندک و محدود به برخی گزارش‌های عالمان متأخر است. گفتنی است که این اطلاعات در مواردی پیچیده و متحیرکننده است؛ به گونه‌ای که برخی عالمان آن زمان بر این باور شده‌اند که عالمان حدیث‌گرای معاصرشان به نقدهای سندی - رجالی در سنجش‌های اعتباری احادیث یکسره بی‌توجه بوده‌اند؛ نگرشی که از سوی برخی پژوهشگران معاصر نیز به مثابه نقدی بر سنت حدیثی تشیع امامی مطرح شده است.^۵

ظاهراً شیخ حسن بن زین الدین عاملی (م ۱۰۱۱ق) صاحب المعالم نخستین عالمی است که به تفاوت بنیادین مبانی حدیث پژوهی قدما و متأخران اشاره کرده و در مقدمه کتاب *منتقى الجمان فى الأحادیث الصحاح والحسان*، به ویژه مقدمه اول و دوم و هشتم، به برخی مبانی حدیث پژوهش عالمان متقدم و متأخر و تفاوت آنها اشاره دارد. پس از وی، دیگر عالمان، همچون شیخ بهایی و به طور خاص، عالمان خباری، مانند فیض کاشانی

۲. رک: سماء المقال، ج ۲، ص ۲۹۸، ش ۳۰۰.

۳. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۰۸.

۴. برای نمونه رک: ذکری الشیعة، ج ۱، ص ۶-۷.

۵. در این باره رک: تصحیح اعتقادات الإمامیة، ص ۸۸؛ رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ مشکلة الحدیث، ص ۲۴۹-۲۵۴.

(م ۱۰۹۱ق) در مقدمهٔ دوم الوافی^۶ و شیخ حرعاملی (م ۱۱۰۴ق) در فائدهٔ هشتم خاتمهٔ وسائل الشیعة^۷ شماری از قراین متقدمان در تصحیح احادیث را مانند آنچه در کلام شیخ بهایی آمده، گزارش کرده‌اند. البته مبانی نظری این جریان را پیش‌تر ملا محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۶ق) در الفوائد المدنیة^۸ و شیخ حسین کرکی (م ۱۰۷۶ق) در هدایة الأبرار^۹ با تلاش در تمایز دو مکتب اهل حدیث و اصولیان شیعه تحت عنوان «متقدمان و متأخران» و نقد جدی و بسیار شدید نسبت به مبانی فقهی، رجالی و حتی کلامی عالمان و اصولیان متأخر شیعی برداشتند. تمایز میان متقدمان و متأخران از سوی شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ق) در مشرق الشمسین و محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ق) در روضة المتقین در تقویت این جریان بی‌تأثیر نبوده است.

از آنچه شیخ بهایی و دیگران در بارهٔ قراین اطمینان بخش در صدور حدیث نزد قدما یاد می‌کنند، چنین برمی‌آید که توجه به «نقد منبع محور حدیث» نزد ایشان نقشی کلیدی داشته است. اخذ حدیث از کتاب‌های معتبر و مورد اعتماد گذشتگان از جملهٔ این نشانه‌هاست که شیخ بهایی در مشرق الشمسین بدان اشاره کرده است.^{۱۰} میرداماد (م ۱۰۴۱ق) به این معیار قدما به زبانی دیگر اشاره دارد که اخذ از اصول حدیثی صحیح و مورد اعتماد یکی از معیارهای اصلی قدما در حکم به صحت آن بوده است.^{۱۱} محمد تقی مجلسی نیز شیوهٔ رایج متقدمان در تصحیح احادیث را بر «نقد کتاب / منبع مکتوب» استوار دانسته است.^{۱۲}

آنچه در این میان اهمیت دارد، معیارهایی است که متقدمان در نقد منابع مکتوب حدیثی بدان‌ها توجه داشته‌اند. به عبارت دیگر، این پرسش اساسی در اطلاع از مبانی حدیث پژوهی قدما قابل طرح است که معیارهای ایشان در نقادی منابع حدیثی کدام بوده

۶. الوافی، ج ۱، ص ۲۲-۲۶.

۷. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۴۳-۲۴۷. شیخ حرعاملی، قرآینی را که همراه حدیث بوده به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. قرآین دال بر صدور (ثبوت) حدیث؛ ۲. قرآین دال بر صحت مضمون احادیث؛ ۳. قرآین دال بر ترجیح یکی از طرفین احادیث متعارض.

۸. ص ۳۰، ۴۹، ۵۸، ۷۸-۷۹، ۸۷-۸۸، ۱۰۹-۱۱۳، ۱۲۲-۱۳۱، ۱۷۷-۱۷۸.

۹. ص ۹۴-۹۵، ۹۷، ۱۰۹-۱۱۶، ۱۳۳.

۱۰. مشرق الشمسین، ص ۲۶۹.

۱۱. الرواشح السماویة، ص ۱۶۱.

۱۲. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۲۳۹.

است؟ پرسشی که سعی شده است در این نوشتار، بر پایه تحلیل و نقد تاریخی داده‌های موجود پاسخی برای آن ارائه شود.

مقدمه

متقدمان امامی در فرآیند ارزیابی صدور احادیث با تکیه بر نظام «قراین» از نشانه‌های متعددی استفاده کرده‌اند که این نشانه‌ها را می‌توان در سه محور «منابع احادیث»، «راویان» و «متون احادیث» مشاهده کرد. چنانچه در این ارزیابی‌های سه‌گانه، به صدور حدیثی از معصوم اطمینان می‌یافتند، از آن حدیث با عنوان «صحیح» یاد می‌کردند، و در مقابل احادیثی را که در صدور آن از معصوم تردید داشتند، «ضعیف» برمی‌شمردند.^{۱۳} بدین سان، توجه به منبع مکتوب حدیث و ارزشگذاری آن یکی از محورهای قدما در فرآیند ارزیابی صدور حدیث و اعتبارسنجی آن جایگاهی ویژه یافت. سبب این اهمیت و نگاه خاص به «منبع مکتوب/کتاب» در ارزیابی حدیث را باید در فرهنگ نوشتاری حدیث شیعه جست و جو کرد.

دانسته است که تألیف کتاب و ترویج کتابت همواره مورد تأکید امامان شیعه بوده است.^{۱۴} بدین ترتیب، شیعیان نیز به کتابت و تدوین حدیث و سخن و سیره امامان توجه نشان دادند. به همین ترتیب، در دوره‌های بعد نیز کتابت و تدوین حدیث در میان راویان شیعی رایج بود و آثاری با عناوینی چون *اصل*، *نسخه*، *جزء* و *کتاب* تدوین گردید.^{۱۵} شیعه بنا بر مبانی اعتقادی خود برای سنت اهل بیت - علیهم السلام - به عنوان مفسران اصیل وحی و سنت نبوی - جایگاهی بسان سنت نبوی قایل بود و از این رو، تاریخی افزون بر دو قرن برای حدیث در اختیار داشت. بدین گونه، نگارش حدیث و تدوین کتاب‌های حدیثی همزمان با صدور روایات از امامان شیعه از ویژگی‌های تاریخ حدیث شیعه گردید. بنا بر یک گزارش، نگارش احادیث در حضور معصوم شیوهای متداول و رایج در عصر امام کاظم - علیه السلام - و میان شاگردان آن حضرت بوده است،^{۱۶} تا آنجا که به روش

۱۳. درباره روش حدیث پژوهی قدما رک: نقد و تحلیل معیارهای احراز صدور حدیث نزد متقدمان و متأخران شیعه، ص ۴۸-۱۵۱.

۱۴. برای نمونه رک: *الکافی*، ج ۱، ص ۵۲.

۱۵. برای مفهوم این اصطلاحات به ترتیب رک: *معجم مصطلحات*، ص ۲۳-۲۴، ۱۸۳، ۱۵، ۱۲۵-۱۲۶.

۱۶. رک: *مهج الدعوات*، ص ۲۱۹-۲۲۰.

مرسوم میان شاگردان ائمه بدل شده بود.^{۱۷} این میراث گران بهای مکتوب در اختیار جامعه شیعی عصر صدور نیز بوده^{۱۸} و در مواردی از ائمه در باره اعتبار روایات آنها پرسش می‌شده است. مراجعه محمد بن حسن بن ابی خالد شینوله به امام جواد - علیه السلام - و پرسش در باره اعتبار کتاب‌های رسیده از عصر صادقین - علیهما السلام - نمونه بارز این مطلب است.^{۱۹} به روشنی از این روایت برمی‌آید که توجه به کتاب حدیثی برای ارزشگذاری روایات از دوران حضور امامان شیعه مورد توجه عالمان امامیه بوده است. به دیگر سخن، از آنجا که نقل حدیث در شیعه امامی بر محور کتاب / نوشتار حدیثی بوده است،^{۲۰} ارزیابی آن نیز بیشتر مبتنی بر «کتاب / نوشتار» بوده است.

با نگاهی دقیق به قراین موجود می‌توان گفت که قداما به منبع مکتوب حدیث (شامل اصل، جزء، کتاب / کتب) توجه ویژه‌ای داشته‌اند و در ارزیابی حدیث در کنار دیگر محورهای ارزیابی فرآیند صدور حدیث،^{۲۱} به چگونگی منبع و مأخذ آن هم توجه خاص داشته‌اند. با توجه به همین قراین و شواهد کتاب محور است که از عالمان گذشته همچون ابو العباس نجاشی (م ۴۵۰ ق) در زمره باورمندان به نظریه «حجیت کتاب» یاد شده است.^{۲۲}

نگارش کتاب‌های «فهرست»^{۲۳} با هدف شناسایی و شناساندن منابع حدیثی، بررسی و بیان حجیت آنها و نسخه‌هایشان بوده است. بر این اساس، این گونه خاص از نگارش‌ها را می‌توان مکمل کتاب‌های رجالی به شمار آورد. رونق نگارش کتاب‌های «فهرست اصول

۱۷. رک: مشرق الشمسین، ص ۲۷۴؛ الرواشح السماویة، ص ۱۶۰.

۱۸. رک: رجال النجاشی، ص ۳۹-۴۰.

۱۹. برای این گزارش رک: الکافی، ج ۱، ص ۵۳.

۲۰. بدون تردید، کتاب‌های کهن حدیثی امامی از جمله کتاب‌های چهارگانه حدیثی، از پالایش و تدوین منابع مکتوب حدیثی پیش از خود فراهم آمده‌اند. ظاهراً آنچه شیخ صدوق در مشیخه من لا یحضره الفقیه خود آورده، طرق او به همان مکتوبات اولیه حدیثی بوده است (رک: وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۲).

۲۱. در این باره رک: نقد و تحلیل معیارهای...، ص ۱۰۲-۱۵۱.

۲۲. بازسازی متون کهن حدیث شیعه، ص ۱۱۱.

۲۳. تألیف کتب «فهرست» شیوه کهنی در میان تألیفات رجالی شیعی است که در آن نام صاحبان کتب، مبنای نگارش قرار می‌گیرد و مؤلف در این نگارش‌ها به دنبال ارائه فهرستی از نام صاحبان کتب و در مواردی همراه با داوری‌های رجالی در باره آنها است. فهرست شیخ طوسی و فهرست نجاشی از مهم‌ترین آثار کهن برجای مانده است که به سبب بسامد بسیار داوری‌های این دو در باره مؤلفان و تألیفات آنها می‌توان آنها را «فهرست‌های رجالی» نامید. از همین روست که کتاب اخیر پیش از همه به رجال النجاشی شهرت یافته است.

و مُصنِّفات» از اواخر سده سوم هجری - به شکلی که نجاشی (م ۴۵۰ق) به کتاب «فهرستات» اشاره می‌کند^{۲۴} - در همین مسیر قابل تفسیر است. وجود این گونه خاص نگارشی نشان می‌دهد که اعتبارسنجی منابع، نزد متقدمان به عنوان یک ضرورت مطرح بوده است. این اهمیت تا بدانجا بوده است که حتی گاه در تعارض میان احادیث، حدیثی را به خاطر ضعف منبع آن رد کرده‌اند^{۲۵} یا در جمع میان اخبار، حدیثی را برگزیده‌اند که در کتابی معتبر نقل شده است.^{۲۶}

مؤلفه‌های «کتاب‌محور» در ارزیابی‌های حدیثی قدما

بر اساس آنچه گذشت، روشن است که «منبع مکتوب/کتاب» نقشی محوری در فرآیند اعتبارسنجی احادیث نزد قدما داشته است؛ اما آنچه تبیین آن در اینجا لازم است، عناصر و مؤلفه‌های مرتبط با منابع مکتوب در جریان ارزیابی‌های حدیثی است. در ادامه، این مؤلفه‌های کتاب‌محور، قطع نظر از اوصاف و ویژگی‌های مؤلف و مسأله اصالت آنها - که در دستگاه حدیث پژوهی قدما جایگاهی ویژه داشته‌اند و به سبب اهمیت‌شان پژوهشی مستقل را می‌طلبند - ارائه خواهد شد. هر چند بیشتر این عناصر از سوی عالمان پیش‌گفته بیان شده‌اند، اما در این نوشتار تلاش شده است تا با ذکر نمونه‌های متعدد برای هر یک، آن اشاره‌ها به گونه‌ای تفصیلی تبیین شود.

۱. نقل در منبع معتبر

همه تلاش متقدمان امامی در فرآیند نقد منبعی،^{۲۷} دستیابی به میراث مکتوب معتبر و قابل اعتماد حدیثی بوده است.^{۲۸} بر پایه این شیوه، نقد و بررسی متن حدیث بر اساس

۲۴. رجال النجاشی، ص ۱۵، ۴۹، ۲۴۴، ۳۰۴.

۲۵. رک: الإستبصار، ج ۲، ص ۶۶ و ج ۳، ص ۱۷۰.

۲۶. رک: همان، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲۷. به دلیل توجه بسیار به نگرش‌های فهرستی و ارزیابی‌های کتاب‌شناسانه در این روش، از آن به «تحلیل کتاب‌شناسی» (رک: بازسازی متون کهن حدیث شیعه، ص ۳۳-۵۰) یا «تحلیل فهرستی» (رک: همان، ص ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۴) نیز یاد می‌شود.

۲۸. توجه به منابع معتبر حدیثی در میان برخی عالمان متأخر همچون شیخ حر عاملی و علامه مجلسی - البته با تفاوت در ملاک‌های منبع معتبر - نیز دیده می‌شود. مجلسی در جلد اول بحار الأنوار مقدمه مفصلی را به منابع مورد استفاده خود اختصاص داده و در باره اعتبار هر یک و میزان اعتماد به آنها سخن گفته است (رک: بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۶-۴۶). شیخ حر عاملی نیز اعتبار مصادر خویش را مورد بررسی قرار داده است. وی در پایان کتاب وسائل الشیعة مطالبی را در باره محتوای کتابش تحت عنوان فائده آورده که فائده چهارم به معرفی مصادر کتاب (وسائل) ←

اعتبار و ردّ کتاب و نسخه‌ها/تحریرهای آن و نه بر پایه‌ی راویان آن انجام می‌گرفت. در این روش، پاسخ پرسش‌هایی چند پراهمیت بوده است: کدام راوی صاحب کتاب است؟ کتاب او در چه پایه‌ای از اعتبار است؟ از این کتاب چند نسخه (تحریر) در دست است؟ و طریق هر یک کدام است؟ و کدام طریق استوارتر است؟^{۲۹}

به گفته‌ی میرداماد، اخذ حدیث از اصول حدیثی صحیح و قابل اعتماد یکی از پایه‌های اصلی تصحیح حدیث نزد قدما بوده است.^{۳۰} شیخ حر عاملی در یک داوری جالب توجه درباره‌ی این کتاب‌های معتمد می‌نویسد:

از تتبع گسترده و منقولات صریح چنین استفاده می‌شود که قدما حدیثی را در کتابی معتمد ثبت نمی‌کردند، جز آن که درستی نقل آن برایشان ثابت می‌شد. استثنا کردن برخی احادیث خاصّ از بعضی کتب حدیثی قرینه‌ای بر همین سخن ماست.^{۳۱}

با تحلیل دقیق آثار و منابع حدیثی باقی مانده از متقدّمان می‌توان قراین کتاب محور قدما در فرآیند اطمینان به صدور حدیث را به شرح زیر بیان کرد. گفتنی است که همه‌ی این قراین راهی برای دستیابی به منبع معتبر و قابل اعتماد بوده است. افزون بر این موارد، تسمیه‌ی نگاشته‌های حدیثی با عناوینی چون کتاب، نسخه، جزء، تصنیف و اصل - که این عنوان معنایی خاص در مبانی حدیثی متقدّمان داشته - نیز دارای اهمیت است.

نمونه‌ای از توجه قدما به اعتبارسنجی منابعشان در این سخن شیخ صدوق در مقدمه‌ی کتاب من لا یحضره الفقیه بازتاب یافته است:

همه روایاتی که در این کتاب آورده‌ام، از کتب مشهوری که تکیه‌گاه و محلّ مراجعه هستند، استخراج شده است.^{۳۲}

الشّیعة، ج ۳۰، ص ۱۵۱) و فائده ششم به بررسی اعتبار این مصادر پرداخته (همان، ص ۱۹۱) و آن را در فائده نهم نیز پی گرفته است (همان، ص ۲۴۹). همچنین محدّث نوری در جلد اول خاتمه مستدرک المستدرک فائده اول دوم را به بررسی اعتبار مصادر خویش اختصاص داده است.

۲۹. «نقد حدیث»، ص ۵۷.

۳۰. الرواشح السماویة، ص ۱۶۱.

۳۱. «قد علم بالتتبع والنقل الصریح: أنّهم ما كانوا یثبتون حدیثاً فی کتابٍ مُعتمدٍ حتّی یثبت عندهم صحّة نقله، وقد نَصّوا علی استثناءِ أحادیثٍ خاصّةٍ من بعضِ الكُتبِ و هو قرینةٌ ما قلنا» (وسائل الشّیعة، ج ۳۰، ص ۲۴۴).

۳۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

نتایج توجه قدما به اعتبار کتاب‌های اولیه حدیثی در اوصافی چون «مُعْتَمَدٌ»،^{۳۳} «مُعْتَمَدٌ عَلَیْهِ»^{۳۴} و «مَعْمُولٌ عَلَیْهِ / عَلَیْهَا»^{۳۵} در فهرس کهن بر جای مانده بازتاب یافته است. این تعبیر که در باره برخی کتاب‌های حدیثی گزارش شده، نشان از آن دارد که یکی از ملاک‌های ارزیابی متقدمان امامی، اعتماد و عمل به کتاب‌ها بوده است. گاهی متقدمان به ارزیابی‌های برخی محدثان بزرگ نیز - که اعتماد به کتابی حدیثی داشته‌اند - توجه می‌کردند. تعبیری چون «عَلِیْهِ عَوَّلَ سَلَامَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَرْزَنِيُّ»^{۳۶} و «رَأَيْتُ أَبَالَعْبَّاسَ بْنَ نُوحٍ قَدْ عَوَّلَ عَلَیْهِ فِی كِتَابِهِ أَخْبَارَ الْوُكَلَاءِ»^{۳۷} - که از اعتماد محدثی خاص حکایت دارد - از این نمونه است. در مقابل، عدم اعتماد قدما به کتابی خاص، دید و قضاوت منفی آنها به آن را نشان می‌دهد. عبارتی مانند «لَا يُعَوَّلُ عَلَیْهَا»^{۳۸} اشاره به همین مطلب دارد.^{۳۹} امروزه می‌توان با بازیابی احادیث نگاشته‌های اولیه حدیثی در جوامع روایی، از اعتماد یا عدم اعتماد متقدمان به آنها به عنوان قرینه‌ای برای پذیرش یا عدم پذیرش حدیث، افزون بر اوصاف رجالی ناقلان آن، بهره جست.

مسأله حایز اهمیت در این جا کشف قراینی است که عالمان متقدم امامی در اعتماد یا عدم اعتماد به کتاب‌های حدیثی نخستین بر آنها تکیه داشته‌اند. ظاهراً ملاک‌های قدما در این جریان را می‌توان در سه محور اصلی مطرح کرد: ۱. متن و منبع مکتوب؛ ۲. مؤلف کتاب؛ ۳. چگونگی انتقال کتاب. عرضه کتاب بر امام و تأیید آن، مقبولیت کتاب نزد محدثان و مدارس حدیثی، شهرت کتاب و موافقت با کتب معیار را می‌توان از جمله نشانه‌هایی بر شمرد که ارتباطی مستقیم با متن و منبع مکتوب داشته است.^{۴۰} گزارش‌های متعددی در باره عرضه کتاب حدیثی بر ائمه - افزون بر عرضه احادیث

۳۳. رک: فهرست کتب الشیعه و أصولهم، ص ۱۵۸، ۲۵۶، ۲۸۵، ۳۳۵.

۳۴. رک: همان، ص ۳۹.

۳۵. همان، ص ۳۰۵؛ رجال النجاشی، ص ۵۸.

۳۶. رجال النجاشی، ص ۳۳۰.

۳۷. همان، ص ۴۴۰.

۳۸. همان، ص ۴۱۶.

۳۹. می‌توان توصیف و مدح کتاب توسط بزرگان علم حدیث را هم قرینه‌ای بر اعتماد ایشان به کتاب دانست. همان، ص ۳۷۳، ۳۵۰، ۹۴.

۴۰. در نوشتاری دیگر به تفصیل این نشانه‌ها را به بحث گذاشته‌ام («منبع معتبر و نشانه‌های آن نزد محدثان متقدم امامی»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، در دست انتشار) که در این جا تنها به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌کنم.

منفرد^{۴۱} - و پرسش از اعتبار آنها وجود دارد. این عرضه و پرسش حتی آثار منسوب به امامان را نیز شامل می‌شده است. این گزارش‌های متعدد نشان از وجود سازوکاری میان شاگردان ائمه برای اطمینان به صدور احادیث موجود در این کتاب‌های عرضه شده دارد که همین محتوای تأیید شده از سوی ائمه مورد توجه محدثان دوره‌های پسین نیز بوده است. در این جا تنها به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم. بر پایه گزارش‌های موجود، حسن بن علی بن فضال و یونس بن عبدالرحمن و حسن بن جهم، کتاب *الفرائض* امیرمؤمنان علی - علیه السلام - را بر امام رضا - علیه السلام - عرضه کردند و ایشان آن را صحیح دانسته، بر آن مهر تأیید زدند.^{۴۲} در روایتی دیگر آمده است که ابو عمرو *مُتَطَبَّب* (م ۲۴۰ ق) این کتاب را بر امام صادق - علیه السلام - عرضه کرده و آن حضرت در پاسخ، انتساب آن به امام علی - علیه السلام - را تأیید کرده است.^{۴۳} به نظر، آنچه به عنوان *اصل ظریف* یا *کتاب فی الدیات* شهرت دارد، در واقع تألیف ظریف نبوده، بلکه همین کتاب امیرالمؤمنین - علیه السلام - است. اسناد احادیث پیش گفته این نکته را تأیید می‌کند که کتاب *الفرائض* امیرالمؤمنین - علیه السلام - در دوره‌های بعدی به عنوان *کتاب الدیات* ظریف شناخته می‌شده است.^{۴۴} این کتاب - که برای محدثان زیدی و اهل تسنن نیز شناخته شده بوده^{۴۵} - با عنوان *کتاب الدیات* ظریف بن ناصح در مجموعه‌ای چاپ شده است.^{۴۶}

ظاهراً مقصود نجاشی از این که گزارش کرده ابو عمر طبیب عبدالله بن سعید بن حیان بن أبحر کنانی کتاب *الدیات* خود را - که در جامعه شیعه به کتاب عبدالله بن أبحر شهرت داشته - بر امام رضا - علیه السلام - عرضه کرده، همین کتاب باشد.^{۴۷} تأیید انتساب محتوای کتاب به امیرمؤمنان - علیه السلام - از سوی امامان بعدی سبب شد تا این نوشته حدیثی مورد اعتماد محدثان شیعی، به ویژه صاحبان جوامع چهارگانه حدیثی قرار گرفته و

۴۱. برای عرضه احادیث منفرد بر امامان - علیهم السلام - رک: *عرضة حدیث بر امامان - علیهم السلام - بخش اول*،

ص ۲۹-۵۴؛ همان، بخش دوم، ص ۱۲۰-۱۶۹.

۴۲. *الکافی*، ج ۷، ص ۳۱۱، ح ۱؛ ص ۳۲۴، ذیل ح ۹؛ ص ۳۲۷، ح ۵ و ص ۳۳۰، ح ۱؛ *تهذیب الاحکام*، ج ۱۰، ص ۲۶۷، ح ۱۰۵۰ و ص ۲۸۵، ح ۱۱۰۷ و ص ۲۹۴، ح ۱۱۴۸.

۴۳. *الکافی*، ج ۷، ص ۳۳۰، ح ۲؛ ص ۳۶۲-۳۶۳، ح ۹؛ *تهذیب الاحکام*، ج ۱۰، ص ۲۸۵.

۴۴. *معالم المدرستین*، ج ۳، ص ۲۰۷. درباره کتاب *الدیات* ظریف رک: *خاتمة مستدرک الوسائل*، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۶. 45. *Tradition and Survival*, p. 13.

۴۶. *الأصول*، ص ۱۳۴-۱۴۸.

۴۷. *رجال النجاشی*، ص ۲۱۷.

محتویات آن در این جوامع نقل شود.^{۴۸} به گفته یکی از محققان معاصر نحوه اسناد کلینی نشان می‌دهد که به کتاب دسترسی داشته و طرق متعدد خود را تا کتاب ذکر نموده است.^{۴۹}

عرضه میراث حدیثی شیعه بر نواب خاص امام زمان را می‌توان از نمونه‌های روشن توجه قدما به قرینه «مقبولیت کتاب نزد محدثان» برای اعتبارسنجی منابع مکتوب کهن حدیثی برشمرد. کتاب *التکلیف ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی* معروف به ابن ابی العزاقیر از جمله این مکتوبات حدیثی است. وی - که پیش از گرایش به کفر و الحاد، از بزرگان امامیه در سده‌های سوم و چهارم بود^{۵۰} - دارای تألیفات متعدد حدیثی بود که ظاهراً از میان همه آنها کتاب *التکلیف* از اهمیت و شهرت برخوردار بوده است.^{۵۱} این کتاب به سبب اهمیت محتوا و آن که شلمغانی کتاب را پس از تألیف بر حسین بن روح نوبختی عرضه کرد و حسین بن روح نیز درستی صدور احادیث آن را تأیید و به کتابت و استنساخ آن امر نمود، در جامعه شیعه رواج یافت؛ چندان که در تمام منازل شیعیان نسخه‌ای از آن وجود داشت.^{۵۲} پس از گرایش شلمغانی به الحاد، درستی عمل به کتاب *التکلیف* با تردید جامعه شیعه مواجه شد. این تردید در قالب پرسشی از حسین بن روح نوبختی بازتاب یافته است. او نیز از آنجا که این کتاب در زمان استقامت شلمغانی نگاشته شده بود، پاسخ امام حسن عسکری - علیه السلام - در باره کتاب‌های بنو فضال را در خصوص آن بازگو کرد،^{۵۳} و جز دو یا سه حدیث، درستی صدور تمام احادیث آن را تأیید کرد.^{۵۴} بدین گونه، در عصر

۴۸. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۶.

۴۹. توضیح الأسناد، ج ۲، ص ۳۴۵. برای نقل‌هایی از این کتاب رک: *الکافی*، ج ۷، ص ۳۱۱، ح ۱؛ ص ۳۲۴، ح ۹، ص ۳۲۷، ح ۵ و ص ۳۳۰، ح ۲ و ۱؛ ص ۳۳۳، ذیل ح ۵؛ ص ۳۳۴، ذیل ح ۱۰؛ ص ۳۳۸، ذیل ح ۱۱؛ ص ۲۴۳، ذیل ح ۱۲ و ح ۱ کلینی این پنج حدیث را به حدیث منقول از یونس بن عبدالرحمان در ج ۷، ص ۳۳۰، ح ۱ تعلیق کرده است؛ ص ۳۶۲-۳۶۳، ح ۹. برای متن کامل کتاب *الفرائض* رک: *من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۷۵-۹۲؛ *تهذیب الاحکام*، ج ۱۰، ص ۲۹۵-۳۰۸.

۵۰. *رجال النجاشی*، ص ۳۷۸.

۵۱. فهرست کتب الشیعه و أصولهم، ص ۴۱۴؛ *رجال النجاشی*، ص ۳۷۸-۳۷۹.

۵۲. «وایش کان لابن ابی العزاقیر فی کتاب *التکلیف* إنما کان یصلح الباب و یدخله إلی الشیخ ابی القاسم الحسین بن روح - رضی الله عنه - فیعرضه علیه» (*الغیبة*)، ص ۳۸۹-۳۹۰؛ هر چند بنا بر گزارشی دیگر (همان، ص ۳۰۸-۳۰۹)، این حسین بن روح بوده است که درخواست داشته تا کتاب شلمغانی را نزد وی بیاورند و پس از مطالعه کتاب، صدور همه روایات آن جز دو یا سه روایت را مورد تأیید قرار داده است.

۵۳. همان، ص ۳۹۰.

۵۴. همان، ص ۴۰۸-۴۰۹.

شلمغانی و حتی پس از انحراف و تغییر عقیده وی، همچنان این کتاب محل اعتماد و مورد عمل شیعیان قرار گرفت؛ حتی در ادوار بعد و در عصر شریف مرتضی نیز کتاب التکلیف در شمار چند کتاب مهم مورد مراجعه شیعیان امامی بود و هم‌ردیف کتاب‌های حلبی و ابن بابویه به شمار می‌رفت؛ هر چند شریف مرتضی، ظاهراً به سبب عقاید انحرافی شلمغانی عمل به کتاب او را توصیه نمی‌کرده و دو کتاب دیگر را بر کتاب وی ترجیح می‌داده است.^{۵۵} جالب توجه آن که عالمان متقدم امامی این کتاب را به عالمان پس از خود اجازه می‌دادند که نشان از توجه و اعتماد ایشان به کتاب التکلیف است.

نگاهی دقیق به آثار برجای مانده از قداما نشان از آن دارد که توجه به شهرت کتاب و روایت از جمله قراین مهم و قطعی در روش حدیثی ایشان و اعتماد به صدور احادیث بوده است.^{۵۶} گزارش نجاشی از تردید در اعتماد به کتاب *دلائل خروج القائم [علیه السلام]* و ملاحم حسن بن محمد بن احمد صفار بصری به دلیل عدم شهرت آن،^{۵۷} به خوبی نقش شهرت کتاب در اعتماد به آن و بررسی صدور احادیث را روشن می‌کند. از جمله عالمان متقدم - که بر این مبنا تصریح کرده - شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) است. وی شهرت منابع کتاب *من لا یحضره الفقیه* خود را یکی از ویژگی‌های مهم اثر خویش بر شمرده است.^{۵۸}

ارزیابی و ارزش‌گذاری کتاب‌ها بر پایه منابع معتبر و قابل اعتماد امری طبیعی و پذیرفته شده در تحقیقات علمی است. بر اساس گزارش‌های موجود، در نظام حدیث پژوهی متقدمان برخی کتاب‌های معتبر مانند کتاب‌های عرضه شده بر امامان معیار و ملاک سنجش سایر کتاب‌ها حدیثی اولیه تلقی می‌شده است. کتب سی‌گانه حسین بن سعید اهوازی نیز از جمله کتاب‌های معیار شیعیان بوده است. به گزارش

۵۵. رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۲۷۹.

۵۶. به نظر نشانه‌ای که شیخ حرعاملی برای اطمینان‌آوری صدور احادیث ذیل عنوان «کون الحدیث فی کتاب من کُتِب الأصول المُجمَع علیه» بر آن تأکید دارد اشاره به همین مطلب است (*وسائل الشیعة*، ج ۳۰، ص ۲۴۴)، ناظر به همین مطلب باشد.

۵۷. رک: رجال النجاشی، ص ۴۸.

۵۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳-۴. صاحب الحوادث الناصرة این عبارت صدوق را به قطعیت صدور احادیث کتاب‌ها تعبیر کرده است (به نقل از رساله، ج ۲، ص ۲۵۵). با توجه به این عبارت صدوق، یکی از عالمان معاصر معتقد است هرگاه صدوق حدیثی را به شکل جزمی به معصوم نسبت دهد، صدور آن را از معصوم قطعی دانسته است (رک: دراسات، ج ۱، ص ۴۶۳. نیز رک: وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۱۹۴). آیه الله بروجردی نیز یادآور شده است که عدم ذکر سند در مشیخه من لا یحضره الفقیه به دلیل فراموشی از سوی شیخ صدوق نبوده، بلکه به سبب شهرت کتاب‌ها و بی‌نیازی اثر وی از ذکر طریق بوده است (رک: کلیات، ص ۳۸۵).

گروهی از مشایخ قم، ابن ولید در بررسی محتوایی کتاب‌های محمد بن اُورمه، کتب حسین بن سعید اهوازی را معیار سنجش کتاب‌های ابن اورمه قرار داده و به تصحیح و پذیرش بخش‌های مشترک کتاب‌های وی با کتاب‌های حسین بن سعید نظر داده است.^{۵۹}

نمونه دیگر را می‌توان در اظهار نظر نجاشی در باره کتاب التادیب علی بن محمد بن شیرة کاشانی مشاهده کرد. نظر به این که کتاب ابن‌خانبه به تأیید معصوم رسیده و درستی صدور محتوای آن مورد اعتماد قدما بوده،^{۶۰} ملاک سنجش کتاب کاشانی قرار گرفته است که به سبب موافقت محتوای این کتاب با محتویات اثر ابن‌خانبه، صحت کتاب او تأیید شده است.^{۶۱}

۲. وجود حدیث در کتب و اصول معتمد

نشانه دیگر قدما برای اعتماد و اطمینان به صدور حدیث، نقل آن در نوشته‌های حدیثی معتبر است. چنان که گذشت، یکی از پایه‌های اصلی و اساسی تصحیح حدیث نزد قدما وجود حدیث در اصول حدیثی صحیح و معتمد بوده است.^{۶۲}

اظهار نظر شیخ طوسی را در باره حدیثی منقول از خذیفة بن منصور نیز می‌توان از نمونه‌های دیگر توجه قدما به این قرینه یاد کرد. یکی از دلایل وی - که حکم به تضعیف این حدیث داده و عمل به آن را نادرست برشمرده - آن است که این حدیث در هیچ یک از اصول مصتف حدیثی ثبت نشده است.^{۶۳} محدث نوری نیز شهادت کلینی بر صحت احادیث کتاب خود را به وجود حدیث در اصول و کتاب‌های حدیثی مورد اعتماد - که انتساب آن آثار به مؤلفانشان محل تردید نیست - در کنار سایر ویژگی‌ها تفسیر کرده است.^{۶۴}

۵۹. فهرست کتب الشیعه و اصولهم، ص ۴۰۷؛ رجال النجاشی، ص ۳۲۹.

۶۰. رجال النجاشی، ص ۳۴۶.

۶۱. همان، ص ۲۵۵.

۶۲. رک: الرواشح السماویة، ص ۱۶۱.

۶۳. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۶۴. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۹۳-۴۹۴. البته این نکته گفتنی است که یکی از محققان معاصر منابع کلینی در الکافی را به چهار دسته قابل تقسیم می‌داند: ۱. مؤلفان معتبر نزد طایفه امامیه؛ ۲. راویان تضعیف شده همچون اسحاق بن محمد نخعی که به شدت تضعیف شده و کتب وی نادرست خوانده شده است؛ ۳. منابعی که در وثاقت مؤلف اختلاف نظر دیده می‌شود؛ ۴. مؤلف تضعیف شده، ولی کتاب وی معتبر خوانده شده است (رک: «



از نظر آقا بزرگ طهرانی، صرف وجود حدیث در یکی از اصول حدیثی معتمد از موجبات حکم به صحت آن نزد متقدمان بوده است، اما در باره سایر کتاب‌های حدیثی قابل اعتماد، حکم به صحت حدیث، پس از دفع سایر احتمالات مخّل به اطمینان صدور بوده است. صرف وجود حدیث در این کتاب‌های قابل اعتماد یا درستی باور مذهبی مؤلفانش بر خلاف اصول حدیثی، برای تصحیح احادیث آنها کافی نبوده است.^{۶۵} این سخن، نتیجه دیدگاهی است که باور دارد آثار حدیثی معرفی شده تحت عنوان «اصل» در منابع فهرستی و رجالی متقدم، جایگاهی خاص در فرآیند تصحیح و احراز صدور احادیث داشته‌اند.^{۶۶} به گفته محمد تقی مجلسی، صحت اصول چهارصدگانه حدیثی (اصول اربعمائه) و عمل بدان‌ها مورد اتفاق همگان بوده است.^{۶۷}

توضیح مطلب آن که، گاه به دلایل و شواهد مختلف، نوشته‌ای حدیثی معتبر و قابل اعتماد تلقی می‌شد و در نتیجه، احادیث موجود در آنها نیز معتبر قلمداد می‌شد. بدین سبب است که کتاب‌های اسحاق بن عمار ساباطی،^{۶۸} حفص بن غیاث،^{۶۹} طلحة بن زید نهدی،^{۷۰} علی بن حاتم قزوینی^{۷۱} و عمار بن موسی ساباطی^{۷۲} قابل اعتماد معرفی شده‌اند. گزارش نجاشی و شیخ طوسی در باره کتاب عبیدالله بن علی حلبی^{۷۳} و کتاب‌های

لزوم ارزیابی سندی»، ص ۱۳۸-۱۳۹).

۶۵. الذریعة، ج ۲، ص ۱۲۷؛ و نیز کلیات فی علم الرجال، ص ۴۸۵.

۶۶. أصول الحدیث، ص ۴۸.

۶۷. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۰. توجه به اهمیت و جایگاه «اصل‌ها» در تاریخ حدیث شیعه قبل از تدوین جوامع حدیثی بر پژوهشگران پوشیده نیست (رک: پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۱۸۸) هر چند در تعریف «اصل» و یا مترادف آن با مفهوم «کتاب» نیز سخنانی مطرح شده است (رک: همان، ص ۱۷۲) با این همه از نظر همین محققان، تعبیر «له اصل» از ارزش بیشتری در مقایسه با «له کتاب» برخوردار است و حد اعلای مورد یک «اصل» آن است که نویسنده‌اش ثقة باشد (همان، ص ۱۷۳).

۶۸. فهرست کتب الشیعه و أصولهم، ص ۳۹.

۶۹. همان، ص ۱۵۸.

۷۰. همان، ص ۲۵۶.

۷۱. همان، ص ۲۸۵.

۷۲. همان، ص ۳۳۵.

۷۳. همان، ص ۳۰۵؛ رجال النجاشی، ص ۲۳۱. توصیف طوسی از این کتاب چنین است: «عبیدالله بن علی الحلبي. له کتاب، مصنف معمول علیه وقيل أنه عرض على الصادق - عليه السلام - فلما رآه استحسنة) وقال: ليس لهؤلاء - یعنی المخالفين - مثله». شاید تأیید کتاب از سوی امام صادق - علیه السلام - دلیل اعتماد و عمل قداما به کتاب عبیدالله حلبی بوده است.

سی گانه حسن و حسین پسران سعید بن حماد أهوازی^{۷۴} نشان می دهد که قدما به احادیث این کتاب ها عمل می کرده اند.

ظاهراً صحت محتوای^{۷۵} کتاب های المبتدأ والمغازی والوفاة والرذة أبان بن عثمان أحمربجلی،^{۷۶} حسن بن محمد نوفلی،^{۷۷} نوادر حسن بن راشد طفاوی،^{۷۸} الآداب وتفسیر القرآن احمد بن محمد سببعی همدانی،^{۷۹} الآراء والدیانات حسن بن موسی نوبختی،^{۸۰} النوادر احمد بن ابراهیم انصاری،^{۸۱} التادیب یا همان یوم ولیة احمد بن عبدالله معروف به ابن خانبه،^{۸۲} المصاییح احمد بن حسن اسفراینی،^{۸۳} الرجال محمد بن حسن مُحاربی^{۸۴} و تفسیر أسماء الله [تعالی] وما یدعی به محمد بن جعفر به بطة قمی^{۸۵} سبب تحسین و تمجید تمجید قدما از آنها بوده است.

ابو جعفر احمد بن هلال عَبْرَتایی از جمله راویان محل بحث در میان راویان شیعی است. ابن غضایری احادیث منقول به واسطه وی را به دیده تردید نگریسته است، جز آن دسته احادیثی که او از دو کتاب المشیخة حسن بن محبوب و نوادر محمد بن ابی عمیر روایت کرده است. ظاهراً شهرت و وثوق به این دو کتاب و وجود روایت های دیگر از آن دو دلیل این دیدگاه ابن غضایری بوده است که عبارت «وَقَدْ سَمِعَ هَذَا مِنْ الْكُتَّابَيْنِ جُلَّةَ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ وَاعْتَمَدُوهُ فِيهِمَا»^{۸۶} به روشنی اشاره به همین مسأله دارد.

سخن نقادانه شیخ مفید در خصوص حدیث «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» نشان گر توجه متقدمان به این قرینه در ارزیابی های صدور احادیث در کنار بررسی

۷۴. رجال النجاشی، ص ۵۸.

۷۵. برای معیارهای قدما در ارزیابی محتوایی احادیث و کتاب های حدیثی رک: «کارکردهای نقد متنی...»، ص ۴۳-۶۶.

۷۶. رجال النجاشی، ص ۱۳.

۷۷. همان، ص ۳۷.

۷۸. همان، ص ۳۸.

۷۹. همان، ص ۹۴-۹۵.

۸۰. همان، ص ۶۳.

۸۱. همان، ص ۸۴.

۸۲. همان، ص ۹۱.

۸۳. همان، ص ۹۳.

۸۴. همان، ص ۳۵۰.

۸۵. همان، ص ۳۷۳.

۸۶. رجال ابن الفضالی، ص ۱۱۱-۱۱۲.

منابع مکتوب حدیثی است. یکی از دلایل تشکیک وی در صدور این حدیث، نبود آن در کتاب‌های حدیثی مورد اعتماد است که به گفته وی:

این حدیثی است که برای آن سندی متصل نمی‌شناسیم و آن را در اصول مورد اعتماد نیافتیم و حدیثی که حکمش چنین است، استناد به آن و استدلال به مضمون آن صحیح نیست.^{۸۷}

گاه متقدمان به ارزیابی‌های برخی محدثان بزرگ - که اعتماد به کتابی حدیثی داشته‌اند - نیز توجه می‌کردند. تعبیری چون «علیه عَوَّلَ سلامة بن محمد الأرنؤی»^{۸۸} و «رأیْتُ أبا العباس بن نوح قد عَوَّلَ علیه فی کتابه أخبار الوکلاء»^{۸۹} - که از اعتماد محدثی خاص حکایت دارد - از این نمونه است. در مقابل، عدم اعتماد قدما به کتابی خاص، دید و قضاوت منفی آنها به آن را نشان می‌دهد. عبارتی مانند «لا یَعَوَّلُ علیها»^{۹۰} اشاره به همین مطلب دارد.

توجه به این نکته نیز ضروری است که گاهی قدما در اعتبار یک کتاب اختلاف داشته‌اند. کتاب سُلیم بن قیس هلالی نمونه‌ای از این کتاب‌هاست. ظاهراً شیخ صدوق به این کتاب اعتماد داشته و از آن مطالبی را نقل کرده است. اعتماد شیخ صدوق بر این کتاب با انتقاد شیخ مفید مواجه شده است که:

آنچه ابو جعفر [صدوق] - خدایش بیامرز - از حدیث سُلیم استناد کرده که در آن به کتاب منسوب به وی به روایت أبان بن ابی عَیاش رجوع کرده، معنای صحیحی دارد، اما این کتاب مورد اعتماد نیست و به بیشتر [احادیث] آن نمی‌توان عمل کرد.^{۹۱}

ابن غضایری روایات حسن بن محمد بن یحیی علوی حسینی، جز دو دسته را نامعتبر می‌داند؛ دسته‌ای از آن - چنان که گذشت - احادیثی است که وی از کتاب‌های جدّش

۸۷. المسائل العکبریة، ص ۹۴. سخن شیخ مفید که این حدیث را بدون سند متصل دانسته جای شگفتی دارد؛ چه آن که در منابع حدیثی شیعه با سند متصل ذکر شده است (رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۱۸؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۷۳ - ۱۷۴؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۶؛ معانی الأخبار، ص ۳۵۰). از میان محدثان اهل سنت، ترمذی (سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۶۰-۳۶۱) نیز این حدیث را غریب دانسته است.

۸۸. رجال النجاشی، ص ۳۳۰.

۸۹. همان، ص ۴۴۰.

۹۰. همان، ص ۴۱۶.

۹۱. تصحیح اعتقادات، ص ۱۴۹.

روایت کرده و در این روایت گری متفرد نبوده، بلکه دیگران نیز آنها را روایت کرده‌اند و دسته‌ای دیگر، احادیثی است که وی از کتاب‌های مشهور علی بن احمد بن علی عقیقی نقل کرده است.^{۹۲} این شهرت نشان‌گر اعتبار آن کتاب‌ها بوده است.

۳. تکرار حدیث در کتب و اصول مختلف حدیثی

دومین معیاری که شیخ بهایی در *مشرق‌الشمسین*^{۹۳} در باره حدیث صحیح نزد قدما ارائه می‌دهد، «تکرار حدیث در یک یا دو اصل یا بیشتر با طرق و اسانید معتبر» است. به دیگر سخن، وجود طرق متعدد برای یک حدیث - که می‌تواند بر تکرار آن در کتاب‌های مختلف دلالت داشته باشد - یکی از قراینی است که موجب اعتماد قدما به صدور آن می‌شده است. گفتنی است که این قرینه، رابطه نزدیک و تنگاتنگی با قرینه شهرت روایی یک حدیث دارد. توجه به این نکته ضروری است که تکرار یک حدیث در منابع متعدد، به تنهایی مورد توجه نبوده است، بلکه وجود طرق متعدد از آن و عدم تفرد یک راوی به نقل آن مقصود متقدمان بوده است. کلام شیخ طوسی در باره حدیثی از رزین بیاع شاهد این سخن است. نخستین ضعفی که وی به این حدیث گرفته، آن که حدیث شاذ و نادر بوده و کسی جز رزین آن را روایت نکرده است؛ هر چند در کتاب‌ها تکرار شده است.^{۹۴}

بررسی و تحلیل جوامع حدیثی متقدم به خوبی وجود این معیار را در میان قدما نشان می‌دهد و روشن می‌سازد که وجود یک حدیث در چند کتاب و اصل حدیثی قرینه‌ای برای اعتماد به صدور آن از معصومان بوده است. نمونه‌های متعددی را در اسناد طرق کلینی در احادیث *الکافی* می‌توان مشاهده کرده که نشان‌گر تکرار یک حدیث در کتاب‌های حدیثی مختلف است.^{۹۵} در واقع، تکرار یک حدیث در چند کتاب و اصل حدیثی با اسانید متعدد می‌تواند قرینه‌ای بر شهرت روایی آن تلقی گردد که به واسطه این تکرار حدیث از محدوده غرابت،^{۹۶} شاذ و تفرد خارج می‌شود؛ برای نمونه، ابن غضائری حسن بن محمد بن یحیی علوی حسینی، معروف به ابن ابی طاهر^{۹۷} را تضعیف کرده و به همین

۹۲. رجال ابن الغضائری، ص ۵۴.

۹۳. مشرق‌الشمسین، ص ۲۶۹.

۹۴. الاستبصار، ج ۳، ص ۱۶۱.

۹۵. برای نمونه‌هایی رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۴؛ ح ۱، ص ۱۱۸؛ ح ۱۲؛ ص ۱۳۷؛ ح ۳؛ ص ۱۴۹؛ ح ۱؛ ص ۱۶۱؛ ح ۲.

۹۶. مقصود غرابت در روایت است، نه غرابت در لفظ.

۹۷. وی از مشایخ بی‌واسطه صدوق است که در سال ۳۵۲ ق از او در نیشابور حدیث شنیده است (رک: عیون اخبار

دلیل، احادیث منقول از وی را نامعتبر می‌داند، جز آنچه وی از کتاب‌های جدّش یحیی بن حسن - که دیگران نیز آنها را روایت کرده‌اند - نقل کرده است.^{۹۸} وی همچنین به روایت کتاب علی بن اسماعیل بن شعیب بن میثم به وسیله ابو محمد حسن بن اسد ظفّاوی بصری - که دیگران نیز آن را روایت کرده‌اند - اعتماد کرده است؛ هر چند خود ظفّاوی را تضعیف و فاسد المذهب دانسته است.^{۹۹}

کلینی حدیثی را در *الکافی* روایت کرده که بر جواز غسل و وضو با آب گلاب دلالت دارد.^{۱۰۰} شیخ طوسی این حدیث را هر چند به تصریح خود او در کتب و اصول حدیثی تکرار شده، به دلیل شدوذ آن تضعیف کرده و معتقد است که اصل آن از یونس، از ابوالحسن - علیه السلام - است.^{۱۰۱} تلاش شیخ طوسی برای پاسخ به اعتباری که بر پایه تکرار حدیث در کتب و اصول حدیثی برای این حدیث و موارد دیگر^{۱۰۲} به دست می‌آمده، خود گواه اهمیت این قرینه نزد متقدّمان است. افزون بر این، مجلسی اول معتقد است که مقصود شیخ طوسی از شاذ بودن حدیث مزبور با وجود تکرار آن در اصول، شاذ بودن از جهت عمل است؛ چرا که تکرار حدیث در اصول (از دیدگاه شیخ طوسی) زمانی مفید واقع می‌شود که راوی اش متعدّد باشد؛ حال آن که راوی خبر مزبور از ابوالحسن - علیه السلام - تنها یونس است؛ لیکن ظاهراً تعدد راوی لازم نباشد و تکرار حدیث در اصول برای صحیح دانستن آن کافی باشد.^{۱۰۳}

بررسی اظهار نظرهای متقدّمان در ارزیابی احادیث نشان‌گر آن است که عدم تکرار حدیث در کتب و اصول حدیثی خود نشانه‌ای برای تضعیف حدیث نزد آنها تلقی می‌شده است. ظاهراً مقصود قداماً از آنچه تحت عنوان «متفردات» راوی ذکر کرده‌اند، اشاره به همین مطلب باشد. در واقع، توجه به «تفرد نقل» از سوی قداماً، تأییدی بر اهمیت این نکته است که تکرار حدیث در منابع حدیثی - که موجب شکل‌گیری طرق متعدد می‌شده -

الرضا - علیه السلام - ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۳، ح ۶ و ج ۲، مقدمه محقق، ص ۶).

۹۸. رجال ابن الغضائری، ص ۴۱. برای نمونه‌ای از روایات وی از جدّش رک: عیون اخبار الرضا - علیه السلام - ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۹۹. رجال ابن الغضائری، ص ۵۲.

۱۰۰. الکافی، ج ۳، ص ۷۳.

۱۰۱. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۱۰۲. برای نمونه‌ای از این موارد رک: تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۶۰ و ج ۷، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۱۰۳. روضة المتقین، ج ۱، ص ۴۲.

خود قرینه ای برای صدور آن نزد قدما بوده است. بنا بر این، توجه به شهرت کتاب و نیز تعدد نقل حدیث در کتاب‌ها و اصول متعدد حدیثی در نظام ارزیابی قدما سبب شده بود تا «تفرّد نقل» ضعفی آشکار تلقی گردد. توجه به فرآیند انتقال مکتوب میراث حدیثی شیعه فلسفه تضعیف به سبب «تفرّد در نقل» را روشن می‌سازد. در واقع، تفرّد راوی در نقل راه کشف انتساب محتوای نقل شده را نامطمئن می‌سازد، جز آن که قرآینی در تقویت انتساب وجود داشته باشد؛ برای نمونه، وجود طریق واحد در روایت کتاب جحدّر بن مغیره طایی از جمله نشانه‌هایی است که ابن غضائری در بی‌اعتمادی به احادیث وی یاد کرده است؛^{۱۰۴} هر چند متفردات احمد بن هلال عبرتایی از سوی متقدّمان بی‌اعتبار قلمداد شده^{۱۰۵} و ابن غضائری نیز نظر به توقف در باره احادیث وی دارد، اما احادیثی را که او از کتاب المشیخة حسن بن محبوب و نوادر محمد بن ابی عمیر روایت کرده، معتبر و قابل اعتماد برشمرده است. دلیل وی برای این سخن آن است که گروه بسیاری از اصحاب این دو کتاب را سماع کرده و به عبرتایی در نقل محتوای آنها اعتماد کرده‌اند.^{۱۰۶} سبب تشکیک قدما در باره کتاب حسن بن علی بن فضال از امام رضا - علیه السلام - آن بوده که فقط قمیان این کتاب را از علی پسر حسن نقل کرده‌اند.^{۱۰۷} نجاشی همچنین در شرح حال علی بن حسن بن علی بن فضال گزارش داده است که نسخه این کتاب را شیخ صدوق به بغداد آورده است و کوفیان این نسخه را نمی‌شناخته‌اند، این کتاب جز همان طریق به طریق دیگری روایت نشده است.^{۱۰۸}

مواجهه متقدّمان امامی با پدیده‌های غرابت و تفرد به مثابه ضعف، اختصاص به کتاب‌ها حدیثی نداشته بلکه تک‌احادیث را نیز شامل می‌شده است. به دیگر سخن، می‌توان گفت که غرابت و تفرد هر دو مخل اعتماد به صدور حدیث بوده و بنا بر این حدیث غریب و متفرد در زمره احادیث نامعتبر قلمداد می‌شده است.^{۱۰۹} نمونه‌های

۱۰۴. رجال ابن الغضائری، ص ۴۶.

۱۰۵. کمال الدین، ص ۷۵-۷۶.

۱۰۶. رجال ابن الغضائری، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۱۰۷. رجال النجاشی، ص ۳۶.

۱۰۸. همان، ص ۲۵۸.

۱۰۹. درخور ذکر است که در مواردی به دلیل وجود قرآین اعتباربخش، «تفرّد» مخل اعتماد به صدور حدیث تلقی نمی‌شده است (در این باره رک: العدة، ج ۱، ص ۳۸۶). برای نمونه‌هایی از اعتماد صدوق به متفردات رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۷، ذیل ح ۱۸۸۹، ص ۱۲۸، ذیل ح ۱۹۲۹؛ ج ۴، ص ۲۲۲-۲۲۳، ح ۵۵۲۶. نمونه عینی آن،

متعددی در ارزیابی‌های قدما قابل مشاهده است که گاهی حدیث به یکی از دو ضعف فوق معتبر تلقی نمی‌شد؛ برای نمونه، شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در حدیثی از امام رضا - علیه السلام - چگونگی اقامه نماز بر فرد مصلوب را گزارش کرده، اما به دلیل غرابت این حدیث، حکم آن را نمی‌پذیرد.^{۱۱۰} او در نمونه‌ای دیگر، ضمن ناصحیح خواندن حدیثی منقول از احمد بن هلال عبرتایی، دیدگاه مکتب حدیثی قم در باره بی‌اعتباری متفردات وی را به نقل از استادش ابن ولید گزارش کرده است.^{۱۱۱} مفهوم مخالف این برخوردها آن است که در صورت عدم اختصاصی بودن این احادیث و وجود طرق دیگر نقل، معتبر و قابل پذیرش به شمار می‌رفتند.

شاید مقصود شیخ طوسی که عمل به احادیث روایت شده از ابو العباس فضل بن عبد الملک بقباق را به شرط مطابقت با روایات دیگران لازم دانسته، اشاره به همین قرینه بوده است.^{۱۱۲} اهمیت این سخن طوسی زمانی روشن می‌شود که بدانیم نجاشی، بقباق را از ثقات و اعیان کوفه معرفی کرده است.^{۱۱۳}

البته گفتنی است که صرف تکرار حدیث در کتاب‌های متعدد دلیل بر اعتماد به صدور آن نیست، بلکه این تکراریکی از قراین است که در صورت تعارض با دیگر دلایل ضعف اعتباربخشی خود را از دست خواهد داد؛ برای نمونه طوسی حدیثی منقول از زرین بیاع أنماطی را - که متفرد در روایت آن است - به دلیل شاذ و نادر بودن بی‌اعتبار می‌داند؛ هر چند که خود به وجود این حدیث در چند کتاب اشاره کرده است.^{۱۱۴}

نمونه دیگر، حدیثی است که ابو خدیجه از امام صادق - علیه السلام - در خصوص زکات افراد خاندان بنی هاشم نقل کرده است که بنا به داوری شیخ طوسی، این حدیث هر چند در کتاب‌های حدیثی تکرار شده، اما به خاطر ضعف راوی قابل اعتماد نیست.^{۱۱۵}

حدیثی در باره نماز عید غدیر است و محمد بن موسی همدانی - که تضعیف شده (رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۰-۹۱، ذیل ح ۱۸۱۷) - در نقل آن متفرد است، اما روایت مشهور بوده (رک: المقنعة، ص ۲۰۴؛ مسار الشیعة، ص ۳۹) و طوسی در تهذیب الأحکام (ج ۳، ص ۱۴۳، ح ۳۱۷) نقل کرده و اصحاب - جز ابن ولید و شاگردش صدوق - به آن اعتماد کرده و بر اساس آن فتوا داده‌اند (رک: خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۷۰-۷۱).

۱۱۰. عیون اخبار الرضا - علیه السلام - ج ۱، ص ۲۳۲.

۱۱۱. کمال الدین، ص ۷۵-۷۶.

۱۱۲. الإستبصار، ج ۴، ص ۱۴۲.

۱۱۳. رجال النجاشی، ص ۳۰۸.

۱۱۴. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲۷۸-۲۷۹؛ الإستبصار، ج ۳، ص ۱۶۱.

۱۱۵. الإستبصار، ج ۲، ص ۳۶.

۴. وجود حدیث در کتاب و اصل مؤلف / راوی

به نظر می‌رسد نشانه دیگری که متقدمان در ارزیابی‌های حدیثی خود بدان توجه نشان داده‌اند، «وجود حدیث در کتاب و اصل مؤلف / راوی» بوده است. هرچند نمونه‌های اندکی از این نشانه را در مطالعه آثار قدما یافته‌ام، اما به هر روی همین شمار اندک نیز حاکی از توجه ایشان به چنین مؤلفه کتاب محوری است.

نمونه‌ای از کاربرد این قرینه را می‌توان در ارزیابی شیخ مفید از حدیثی منقول از محمد بن یعقوب بن شعیب از پدرش از امام صادق - علیه السلام - در تمام بودن ماه مبارک رمضان^{۱۱۶} مشاهده کرد. وی ضعف‌های متعددی را در باره این حدیث مطرح ساخته است؛ شاذ بودن حدیث، نخستین ضعفی که وی بر آن گرفته است. تضعیف دوم ماهیتی پرسشی دارد که شیخ مفید آن را از فقیهان شیعه گزارش کرده است. از نگاه فقهای شیعه این پرسش قابل طرح است که چرا محمد بن یعقوب بن شعیب تنها همین یک حدیث را از پدرش روایت کرده است؟! چنانچه وی راوی از پدرش می‌بود، باید احادیث بیشتری را روایت کرده باشد. از این رو، حدیث متفرد وی قابل استناد نخواهد بود. تشکیک دیگر شیخ مفید در مورد عدم صدور این حدیث، با ماهیت تحلیل فهرستی و نقد منبعی بیان شده است. به گفته او و فهرست‌نگاران، یعقوب بن شعیب تمام احادیث خود از امام صادق - علیه السلام - را در اصل خود گرد آورده بود،^{۱۱۷} اما حدیث مورد بحث - که فرزندش محمد از او روایت کرده - در این اصل وجود نداشته است. عدم درج این حدیث در اصل یعقوب بن شعیب، شاهدی است بر آن که تردید در صدور آن از امام صادق - علیه السلام - وجود داشته است.^{۱۱۸} این نمونه نشان می‌دهد که وجود حدیث در کتاب و اصل حدیثی یک راوی نشانه‌ای بر اعتماد به صدور آن بوده است.

اظهار نظر شیخ طوسی در باره حدیثی منقول از حذیفه بن منصور را نیز می‌توان از

۱۱۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۷۱-۱۷۲.

۱۱۷. رجال النجاشی، ص ۴۵۰؛ الذریعة، ج ۲۶، ص ۴۸-۴۹.

۱۱۸. جوابات، ص ۲۴. شیخ صدوق این حدیث را در من لا یحضره الفقیه روایت کرده است، در نتیجه، به صدور آن از معصوم اعتماد داشته و آن را مبنای فتوای خود قرار داده بود. بی تردید اختلافات فقهی در باره مسأله تمام یا ناقص بودن روزهای ماه مبارک رمضان نباید بی‌تأثیر در موضع‌گیری‌های وی و شیخ مفید در اعتبار حدیث فوق بوده باشد. طوسی نیز این حدیث را نامعتبر دانسته و احتجاج به آن را نادرست می‌داند. دلیل وی محل تأمل و موجب شگفتی است: «و هذا الخبر أيضاً نظیر ما تقدم فی أنه لا یصح الإحتجاج به بمثل ما قدمناه من أنه خبر واحد لا یوجب علماً ولا عملاً...» (تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۷۲).

نمونه‌های دیگر توجه قدما به این قرینه یاد کرد. وی از جمله ضعف‌های این حدیث را - که در صدور آن تردید می‌شود - عدم وجود آن در کتاب حدیثی حذیفه بن منصور - که کتابی مشهور و معروف بوده - دانسته است. به باور شیخ طوسی، چنانچه حذیفه این حدیث را صحیح قلمداد می‌کرد، بی‌تردید آن را در کتاب خود جای می‌داد.^{۱۱۹}

در مقابل احادیثی که از کتاب خاصی راوی نقل شده، احادیث مفردی قرار دارد که در کتاب راوی/مؤلف وجود نداشته است. این مسأله موجب تردید در اعتبار آن نقل شفاهی یا اعتباری فروتر نسبت به روایت منقول از اثر مکتوب راوی می‌شده است.^{۱۲۰}

نتیجه

از مجموع آنچه در پژوهش حاضر به تفصیل مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، مطالب زیر به دست می‌آید:

۱. گزارش‌های فراوان برجای مانده از محدثان متقدم امامی حکایت از آن دارد که منابع مکتوب حدیثی در فرآیند احراز صدور نزد محدثان متقدم امامی نقش بسزایی داشته است. در چنین فرآیند مبتنی بر معیارهای متعدد و روش‌های پیچیده نظام قراین، اوصاف و ویژگی‌های نوشته‌جات مختلف حدیثی تحت عناوینی چون «کتاب»، «اصل»، «جزء» و «نسخه» در اطمینان و وثوق به صدور احادیث مورد توجه قرار می‌گرفته است. در یک تعبیر کلی می‌توان از این اوصاف و ویژگی‌ها تحت عنوان «آگاهی‌های مربوط به منبع مکتوب» (نقد منبعی) یاد کرد.

۲. نمونه روشنی از توجه متقدمان به نقش و تأثیر مؤلفه‌های کتاب‌محور در ارزیابی‌های صدور احادیث در مقدمه کتاب *من لا یحضره الفقیه* شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) بازناب یافته است. شماری از عالمان متأخر، همچون شیخ حسن بن زین الدین عاملی، شیخ بهایی، میرداماد و برخی اخباریان، مانند ملا محمد امین استرآبادی، فیض کاشانی و شیخ حر عاملی نیز بر این حقیقت تأکید دارند. تأثیر این مؤلفه‌ها تا بدان جاست که همین عالمان از آن به مثابه یکی از تفاوت‌های بنیادین میان حدیث پژوهی متقدمان و متأخران یاد کرده‌اند.

۳. مقصود از جایگاه «نقد منبع مکتوب» در دستگاه نظام مند ارزیابی‌های حدیثی

۱۱۹. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۶۸-۱۶۹.

120. Tradition and Survival, p. xv, note 14.

قدما بدان معناست که حدیث با عنایت به مأخذ و مصدر مکتوبی که از آن گرفته شده، نقد و بررسی می‌شود. بر پایه این شیوه، نقد و بررسی متن حدیث بر اعتبار ورد کتاب و نسخه‌ها/ تحریرهای آن تکیه‌ای ویژه داشته است، تا آنجا که می‌توان گفت همه تلاش متقدمان امامی در فرآیند نقد منبعی، بردستیابی به میراث مکتوب معتبر و قابل اعتماد حدیثی به طرق مختلف معطوف بوده است.

۳. نتایج توجه قدما به اعتبار کتاب‌های اولیه حدیثی در اوصافی چون «مُعتمدٌ»، «مُعتمدٌ علیه» و «مَعْمُولٌ علیه / علیها» در فهرس کهن بر جای مانده بازتاب یافته است. معیارهای متعددی در این جا مورد توجه بوده است که عرضه کتاب بر امام و تأیید آن از جمله آنهاست. گزارش‌های متعدد درباره عرضه کتب حدیثی برائمه و پرسش از اعتبار آنها نشان از وجود سازوکاری هر چند محدود میان شاگردان ائمه برای اطمینان به صدور احادیث موجود در این کتاب‌ها دارد که همین محتوای تأیید شده از سوی ائمه مورد توجه محدثان دوره‌های پسین نیز بوده است.

شهرت کتاب و مقبولیت آن نزد محدثان معیار دیگر از این دست است. شیخ صدوق از جمله عالمان متقدمی است که بر این مبنا تصریح کرده و شهرت منابع کتاب من لا یحضره الفقیه خود را یکی از ویژگی‌های مهم اثرش برشمرده است. از جمله عالمان متقدم که بر این مبنا تصریح کرده شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) است. وی شهرت منابع کتاب من لا یحضره الفقیه خود را یکی از ویژگی‌های مهم اثر خویش برشمرده است.

۴. نشانه دیگر قدما برای اعتماد و اطمینان به صدور حدیث، نقل آن در نوشته‌های حدیثی معتبر است. بنا بر یک نظر، صرف وجود حدیث در یکی از اصول حدیثی معتمد از موجبات حکم به صحت آن نزد متقدمان بوده است. این سخن، نتیجه دیدگاهی است که باور دارد آثار حدیثی معرفی شده تحت عنوان «اصل» در منابع فهرستی و رجالی متقدم، جایگاهی خاص در فرآیند تصحیح و احراز صدور احادیث داشته‌اند که البته گزارش‌های مختلف فهرست‌نگاران متقدم امامی مؤید این نظر است.

۵. توجه به معیار «وجود حدیث در کتاب و اصل مؤلف یا راوی» از دیگر نشانه‌های توجه به نقد کتاب محور از سوی قدماست. نمونه‌ای از کاربرد این معیار را می‌توان در ارزیابی شیخ مفید از حدیثی منقول از محمد بن یعقوب بن شعیب از پدرش از امام صادق - علیه السلام - مشاهده کرد. در این باره شیخ مفید پرسشی را طرح کرده که چرا این حدیث در اصل یعقوب بن شعیب وجود نداشته است؛ حال آن که دانسته است وی تمام

احادیث شنیده خود از امام صادق - علیه السلام - را در اصل خود گرد آورده بود. این پرسش تشکیک گونه شیخ مفید در عدم صدور این حدیث، با ماهیت تحلیل فهرستی و نقد منبعی پیوندی نزدیک دارد.

۶. وجود طرق متعدد برای یک حدیث - که می‌تواند بر تکرار آن در کتاب‌های مختلف دلالت داشته باشد - یکی از قراینی است که موجب اعتماد قدما به صدور آن می‌شده است. گفتنی است که این قرینه، رابطه تنگاتنگی با قرینه شهرت روایی یک حدیث دارد. به نظر اشاره عالمانی همچون شیخ بهایی و فیض کاشانی بر «تکرار حدیث در یک یا دو اصل یا بیشتر با طرق و اسانید معتبر» به مثابه عنصری کلیدی در مفهوم حدیث صحیح نزد قدما، تعبیری دیگر از قرینه اعتمادزا به صدور احادیث است. بررسی اظهار نظرهای متقدمان در ارزیابی احادیث نشانگر آن است که عدم تکرار حدیث در کتب و اصول حدیثی خود نشان‌های برای تضعیف حدیث نزد آنها تلقی می‌شده است. به نظر مقصود قدما از آنچه تحت عنوان «متفردات» راوی ذکر کرده‌اند، اشاره به همین مطلب باشد.

کتابنامه

- الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۳۶۳ق.
- أصول الحدیث، عبدالهادی فضلی، بیروت: مؤسسة ام القرى و التحقیق و النشر، دوم، ۱۴۱۶ق.
- الأصول الستة عشر، قم: دارالشیبتری للمطبوعات، ۱۴۰۵ق/۱۳۶۳ش.
- بازسازی متون کهن حدیث شیعه، سید محمد عمادی حایری، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و قم: دارالحدیث، ۱۳۸۱ش.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مجید معارف، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح، ۱۳۷۴ش.
- تاریخ الإسلام، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م.
- تصحیح اعتقادات الإمامیة، محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید، تحقیق:

- حسین درگاہی، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
- تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت - علیهم السلام - سوم، ۱۴۱۴ق/۱۳۷۲ش.
- تہذیب الأحکام فی شرح المقنعة، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، تہران: دارالکتب الإسلامیة، سوم، ۱۳۶۴ش.
- توضیح الأسناد المشکلة، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۹ق/۱۳۸۷ش.
- جوابات أهل الموصل فی العدد والرؤية، محمد بن محمد بن نعمان مشہور بہ شیخ مفید، تحقیق: مهدی نجف، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
- خاتمة مستدرک الوسائل، حسین نوری طبرسی، قم: مؤسسه آل البيت - علیهم السلام - رجب ۱۴۱۵ق.
- دراسات فی ولاية الفقیه وفقه الدولة الإسلامیة، حسینعلی منتظری، قم: المركز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۰۸ق.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، آقا بزرج تہرانی، بیروت: دارالأضواء، سوم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- ذکرى الشیعة فی أحكام الشریعة، محمد بن جمال الدین مکی عاملی مشہور بہ شہید اول، قم: مؤسسه آل البيت - علیهم السلام - لإحياء التراث، ۱۴۱۹ق.
- رجال ابن الغضائری، احمد بن حسین بن غضائری، تحقیق: سید محمد رضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.
- رسالة فی علم الدراییة، ملا رفیع جیلانی رشتی، چاپ شدہ در رسائل فی درایة الحدیث، بہ کوشش ابوالفضل حافظیان بابلی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۳ق/۱۳۸۲ش.
- رسائل الشریف المرتضی، سید مرتضی علم الهدی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: دار القرآن، ۱۴۰۵ق.
- الرواشح السماویة، محمد باقر بن محمد میرداماد، تحقیق: غلام حسین قیصریہ ہا و نعمت اللہ جلیلی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
- روضة المتقین فی شرح من لا یحضرہ الفقیہ، محمد تقی مجلسی، تحقیق: سید حسین موسوی و علی پناه اشتہاردی، قم: بنیاد فرہنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشان پور، دوم، ۱۴۰۶ق.
- سماء المقال فی علم الرجال، ابوالہدی کلباسی، تحقیق: سید محمد حسینی قزوینی،

- قم: مؤسسه ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، شعبان ۱۴۱۹ق.
- سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق: عبد الرحمن محمد عثمان، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
- العدة فی أصول الفقه، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: محمد رضا انصاری قمی، قم: محقق، ۱۴۱۷ق/ ۱۳۷۶ش.
- علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: سید محمد صادق بحر العلوم، النجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۶م.
- عیون أخبار الرضا، محمد بن علی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴م.
- فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، هفتم، ۱۴۲۴ق.
- فهرست کتب الشیعه و اصولهم، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبائی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
- الفوائد المدنیة والشواهد المکیة، محمد امین استرآبادی، تحقیق: رحمت الله رحمتی اراکی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، شعبان ۱۴۲۴ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق، علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، سوم، ۱۳۸۸ق.
- کتاب الغیبة، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، شعبان ۱۴۱۱ق.
- کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، سوم، ۱۴۱۴ق.
- کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ق/ ۱۳۶۳ش.
- مسار الشيعة فی مختصر تواریخ الشریعة، محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید، تحقیق: مهدی نجف، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.
- المسائل العکبریة، محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید، تحقیق: علی اکبر الهی خراسانی، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.
- مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، بهایی عاملی، محمد بن حسین، قم: مكتبة بصیرتی، [بی تا].

- مُشكلة الحديث، يحيى محمد، بيروت: الإنتشار العربي، ٢٠٠٧ م.
- معالم المدرستين، سيد مرتضى عسكري، بيروت: مؤسسة النعمان، ١٤١٠ ق/ ١٩٩٠ م.
- معانى الأخبار، محمد بن على بن بابويه قمى مشهور به شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٣٧٩ ق/ ١٣٣٨ ش.
- معجم مصطلحات الرجال والدراية، محمدرضا جديدي نژاد، قم: دارالحديث، ١٣٨٠ ش.
- المقنعة، محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شيخ مفيد، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، دوم، ١٤١٠ ق.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن على بن بابويه قمى مشهور به شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، دوم، ١٤٠٤-١٤١٣ ق.
- مهج الدعوات ومنهج العبادات، على بن موسى ابن طاووس، قم: دارالذخائر، ١٤١١ ق.
- هداية الأبرار إلى طريق الأئمة الأطهار، حسين بن شهاب الدين كركى، تحقيق: رؤوف جمال الدين، [بى جا]، [بى تا].
- الوافى، محمد محسن فيض كاشانى، اصفهان: مكتبة الإمام امير المؤمنين على - عليه السلام -، ١٤٠٦ ق.
- نقد وتحليل معيارهاى احراز صدور حديث نزد متقدمان و متأخران شيعه، حميد باقرى، رساله دكتورى، راهنما: دكتور مجيد معارف و دكتور منصور پهلوان، دانشگاه تهران، ١٣٩١ ش.
- «عرضة حديث بر امامان - عليهم السلام - : قسمت اول»، عبد الهادى مسعودى، فصلنامه علوم حديث، ش ٦، زمستان ١٣٧٦ ش.
- «عرضة حديث بر امامان - عليهم السلام - : قسمت دوم»، عبد الهادى مسعودى، فصلنامه علوم حديث، ش ٩، پاييز ١٣٧٧ ش.
- «كاركردهاى نقد متنى احاديث نزد محدثان متقدم امامى»، حميد باقرى و مجيد معارف، فصلنامه پژوهش هاى قرآن و حديث، سال ٤٥، ش ١، بهار و تابستان ١٣٩١ ش.
- «لزوم ارزيابى سندی احاديث كافي با استفاده از دروس حضرت آيت الله شبيرى زنجانى»، سيد محمد جواد شبيرى زنجانى، فصلنامه سفينه، ش ٢، بهار ١٣٨٣ ش.
- «نقد حديث: كتابشناسى و متن پژوهى»، سيد محمد عمادى حائرى، فصلنامه علوم حديث، ش ٣٥ و ٣٦، بهار ١٣٨٤ ش.
- Tradition and Survival: A Bibliographical Survey of Early Shi'ite Literature, Hossein Modarressi, (One World. Oxford, 2003).